

## تزام اخلاقی میان دو اصل احترام به حریم خصوصی و حفظ امنیت کاربران در شبکه‌های اجتماعی سایبری و ارائه راهکار

### چکیده

مأموران امنیتی و خانواده‌ها در ارتباط با کاربران شبکه‌های اجتماعی سایبری، با دو اصل اخلاقی «حفظ حریم خصوصی» و «حفظ امنیت» مواجه‌اند؛ این دو اصل، در مواردی، با یکدیگر در تضام قرار می‌گیرند و مأموران امنیتی و سرپرستان خانواده نمی‌توانند هر دوی آن‌ها را رعایت کنند و به‌ناچار باید برای ترجیح سیاست‌گذاری کرد. حال پرسش این است که در چنین مواردی چه باید کرد: آیا به هیچ‌یک عمل نکنند و هر دو را کنار بگذارند یا یکی را فدای دیگری کنند؟ در این صورت کدام‌یک را باید فدای دیگری کرد؟ آیا می‌توان در تمام موارد یکی را بر دیگری مقدم داشت و یا اینکه برحسب موارد و با توجه به پیامدهای مراعات آن‌ها باید تصمیم گرفت. برای حل تضام اخلاقی، چهار راهکار وجود دارد: جمع میان دو اصل، دفع هر دو، ترجیح یک طرف و تخییر. این مقاله با پذیرش اصل ترجیح و با تبیین مراحل آن، یعنی: محاسبه مصالح، تطبیق با اهداف اخلاقی و تقدم امر دارای اهمیت بیشتر، حفظ امنیت کاربران را امری مهم معرفی می‌کند. در پایان، با ترجیح حفظ امنیت کاربران نسبت به حفظ حریم خصوصی، شرط هتک حریم خصوصی کاربران را از منظر اخلاقی بررسی می‌کند.

### ■ واژگان کلیدی

تزام، شبکه‌های اجتماعی، اخلاق، حریم خصوصی، امنیت.

کریم خانمحمدی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

khanmohammadi49@yahoo.com

علی اکبر شاملی

دانشجوی دکتری مدرسی معارف (اخلاق) دانشگاه معارف (نویسنده مسئول)

alishameli1365@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱

## ۱. مقدمه

در بسیاری از موارد، حریم خصوصی افراد در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت توسط افراد مختلفی از جمله کارفرمایان، خانواده‌ها، ارائه‌دهندگان اینترنت و دولت‌ها نقض می‌شود (بنت، ۲۰۰۱: ۱۹۷). در سال ۱۳۹۳، به‌دنبال توهین به مقدسات اسلامی در شبکه اجتماعی واتس‌آپ، رئیس پلیس فتا اعلام کرد که پیام‌های خصوصی در این شبکه اجتماعی قابل پیگیری است. بعد از آن پلیس فتا با نفوذ به این شبکه اجتماعی برخی از این افراد را بازداشت کرد. همچنین معاون پیشگیری پلیس فتا براساس وظایف پلیس - که هم پیشگیری از جرم و هم مقابله با آن است - بیان کرد: در شبکه‌های اجتماعی سایبری شبانه‌روز به علت پیشگیری از جرم رصد انجام می‌گیرد. مواردی را که پلیس فتا اعلام می‌کند همگی برای «تأمین نظم و امنیت و آسایش عمومی و فردی در فضای مجازی» است (۱۳۹۱: سایت پلیس فتا<sup>۱</sup>).

از مبحث «امنیت سایبری» به سبب اختلاف در اهداف، برداشت‌های متفاوتی شده است. برخی هدف از امنیت سایبری را محافظت از حریم خصوصی افراد و سازمان‌ها دانسته و برخی دیگر هدف از آن را ایجاد امنیت کشور و امنیت ملی معرفی می‌کنند. این دو برداشت باعث شده تا در مواردی تراحات اخلاقی ایجاد شود. برای مثال «ایجاد امنیت سایبری نیازمند رصد بیرونی دولت بوده که با محافظت از حریم خصوصی افراد در تضاد است. در این موارد سؤال‌های زیادی مطرح می‌شود یکی از سؤال‌های اخلاقی اینجاست که در این تراحم کدام یک از دو اصل یعنی؛ حفظ حریم خصوصی و حفظ امنیت ملی، مقدم است؟» (بری، ۲۰۰۷: ۵-۶).

در برخی موارد رصد اینترنتی برای پیشگیری از جرم و مقابله با آن موجب نقض حریم خصوصی کاربران می‌شود. اگرچه حفظ امنیت و آسایش عمومی از وظایف قانونی و اخلاقی پلیس بوده؛ ولی حفظ حریم خصوصی نیز از اصول اخلاقی است که بر هر فرد از جمله پلیس ضروری است. با بررسی و تحلیل مسائل ایجاد شده در مورد دو اصل احترام به حریم خصوصی و حفظ امنیت کاربران در شبکه‌های اجتماعی چه در ایران و چه در خارج از کشور، عموم محققان به این نتیجه رسیده‌اند که این دو اصل اخلاقی در برخی موارد، برای یکدیگر مزاحمت ایجاد می‌کنند و انجام

یکی متوقف بر ترک دیگری است. در چنین مواردی، برای یک مأمور امنیتی، یک دوراهی ایجاد می‌شود که نمی‌داند کدام یک از دو اصل را بر دیگری مقدم بدارد. از این رو بررسی اخلاقی این مسئله ضروری است.

علاوه بر سازمان‌های امنیتی، مانند پلیس فتا، این تزام برای خانواده نیز ایجاد می‌شود. سرپرست یک خانواده از طرفی باید به حریم خصوصی فرزندان خود احترام گذاشته و وسایل ارتباطی شخصی فرزند خود، مانند موبایل و کامپیوتر را بدون اجازه رصد نکند؛ اما از طرفی دیگر، کنترل خانواده و حفظ امنیت و آرامش افراد خانواده نیز یک اصل اخلاقی است که برعهده سرپرست خانواده است. حال اگر این سرپرست احساس کند ممکن است فرزندش در شبکه‌های اجتماعی از سوی کلاهبرداران فریب خورده و امنیتش در خطر بیفتد و از طریق به خطر افتادن فرزند، آسایش و آرامش تمام افراد خانواده به هم بریزد، چه کاری وظیفه اخلاقی اوست آیا باید هر دو اصل را کنار گذاشته و به هیچ‌یک عمل نکند؟ یا میان انتخاب هر یک مخیر است؟ و یا باید یکی را بر دیگری ترجیح دهد؟ در صورت ترجیح، کدام یک از دو اصل مقدم است؟ مسئله تزامات در قلمرو اخلاق، غالباً در دو مقام ارزش داوری و تشخیص تکالیف اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است (بهرامی و قراملکی، ۱۳۹۱: ۳۵).

شاید این نمونه تزام اگر براساس قوانین حقوقی و یا فقهی بررسی شود جواب روشنی را به دنبال داشته باشد؛ مثلاً در مسئله فقهی به علت ولایت داشتن پدر بر فرزند سرپرست خانواده بتواند به وسایل شخصی فرزند دسترسی پیدا کند؛ اما مسئله این مقاله تزام اخلاقی است؛ به این معنا که سؤالات بالا فقط از جهت اخلاقی برای سرپرست خانواده پیش می‌آید؛ از این رو باید تمایز این دو نوع تزام مدنظر خوانندگان قرار گیرد.

در حل تزامات اخلاقی چهار راهکار وجود دارد؛ اول تا جایی که امکان دارد باید میان این دو اصل جمع کرد؛ در میان علمای اصول فقه قاعده «الْجَمْعُ مَهْمَا أَمَكَنَ أَوْلَى مِنَ الطَّرْحِ» (انصاری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۱۹) معروف است و این قاعده به این معناست که جمع میان دو اصل اخلاقی بهتر از رها کردن هر دو اصل، یا ترجیح یکی بر دیگری است و عده‌ای از علما بر این قاعده عقلی ادعای اجماع کرده‌اند. دوم در صورتی که هر دو اصل قابلیت جمع را نداشته باشند اگر که مشکلی ایجاد

نشود باید هر دو را رها کرد تا دچار امری غیراخلاقی نشد، سوم اینکه میان دو اصل یکی را ترجیح داده در صورت انتخاب این روش باید ادله ترجیح هر یک از دو اصل بررسی شود. روش چهارم آن است که اگر ادله‌ای بر ترجیح یک طرف ندارد مخیر به انجام هر یک شود.

با توجه به موضوع این مقاله تذکر دو امر ضروری است؛ ابتدا اینکه همان طور که قبلاً نیز گفته شد این مقاله به دنبال پاسخ اخلاقی به تزامم موردنظر است و مسائل فقهی و حقوقی از دایره بررسی این مقاله خارج است و دوم آن که منظور از تزامم اخلاقی، تزامم واقعی است؛ برخی مواقع در ابتدا میان دو امر تزاممی اخلاقی نمایان شده که اگر فرد تأمل کند درمی‌یابد این تزامم، یک تزامم واقعی نبوده و این امر در واقع تزامم ناماست؛ به این صورت که فرد می‌تواند میان این دو اصل جمع کرده و هر دو را انجام دهد و یا هر دو را، بدون آن که مشکلی ایجاد شود، با هم رها کند. در بسیاری از موارد راه سومی قابل کشف است که هر دو اصل را با هم تأمین می‌کند و آسیبی نیز پدید نمی‌آید. از این رو این موارد از مبحث مقاله حاضر خارج است و فرض بر این است که مأمور امنیتی و یا سرپرست یک خانواده نمی‌تواند میان این دو اصل جمع کند و یا هر دو را رفع کند و یا راه سومی را برگزیند.

این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و با استناد به منابع اصیل دینی، چهار روش عقلی در رفع تزاممات را بررسی کرده و سپس با تقدم روش ترجیح بر دیگر روش‌ها از طریق محاسبه مصالح، تطبیق با اهداف اخلاقی و تقدم امر دارای اهمیت بیشتر به این تزامم پاسخهای اخلاقی می‌دهد.

## ۲. تعریف مفاهیم

از آنجا که درباره معنای مفاهیم علوم اجتماعی معمولاً اجماع نظر وجود ندارد، برای تنقیح موضوع و شفاف کردن مفاهیم، به تعریف اهم موارد می‌پردازیم:

### ۲-۱. تزامم

تزامم در لغت به معنای «انبوهی کردن»، «گردآمدن» و «تنگ گردیدن قوم» آمده است. (دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل واژه) اصولیون برای تزامم دو معنای اصطلاحی معرفی کرده‌اند و در برخی از متون تنافی دو حکم و یا دو دلیل به طور مطلق را تزامم نامیده‌اند که اگر این معنا را لحاظ کنیم

مترادف تعارض خواهد بود. معنای دوم این است که دو حکم در مقام امتثال با هم منافات داشته باشند، به طوری که مکلف هر دو را نتواند در یک زمان واحد انجام دهد. در کتاب «بحوث فی علم الأصول» گفته شده: «التزام، هو التنافی بین الحکمین بسبب عدم قدرة المكلف علی الجمع بینهما فی عالم الامتثال؛ التزام، منافات داشتن دو حکم است به سبب اینکه مکلف قادر به جمع بین هر دو حکم در زمان انجام دادن آن نیست.» (صدر، ۱۴۰۵، ج ۷: ۲۶)

مثال معروف این التزام در آنجاست که دو نفر در دریا در حال غرق شدن هستند و مکلف نمی‌تواند هر دو را با هم نجات دهد؛ به این معنا که نجات هر دو بر مکلف امری لازم است؛ ولی او نمی‌تواند هر دو را انجام دهد در آنجاست که التزام ایجاد شده این سؤال را ایجاد می‌کند که وظیفه این شخص چیست؟ کدام یک از افراد باید نجاتش مقدم بر دیگری شود؟ یا اینکه فرد مخیر به انتخاب هر یک است؟ «اساساً التزام اخلاقی هنگام امتثال رخ می‌کند، و گرنه التزام اصول و قواعد اخلاقی، خللی در اعمال و افعال انسان ایجاد نمی‌کند و این تنها هنگام عمل است که انسان بر انجام یکی از اطراف متزام و عمل بر اساس یک قاعده مردد و متحیر می‌ماند.» (بلوکی و مصلح‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۴)

این معنا مورد اتفاق بسیاری از فلاسفه نیز هست. برای مثال هارتی در مقاله خود در مورد اصل التزام اخلاقی می‌گوید: «تزامات اخلاقی در جایی است که یک عامل، مکلف به انجام عمل A و عمل B در یک زمان واحد است؛ ولی قادر نیست که هر دو را در یک زمان با یکدیگر انجام دهد. البته ممکن است که دلیل انتخاب هر یک از این دو عمل متزام مختلف باشد، مثلاً دلیل انتخاب عمل A سخاوت شخصی و دلیل انتخاب عمل B احتیاط عامل باشد» (هورتی، ۲۰۰۳: ۵۵۷).

به نظر می‌رسد معنای دوم، معنای صحیح‌تری است و میان التزام و تعارض تفاوت است. البته تاکنون تفاوت‌های زیادی میان التزام و تعارض بیان شده است؛ از این‌رو این مقاله در این موضوع ورود پیدا نمی‌کند. یکی از روش‌های حل التزامات، انتخاب اصل آهم نسبت به اصل مهم بوده که به وسیله ادله ترجیح این اصل آهم احصاء می‌شود. در مسائلی که نتوان اصل آهم را انتخاب کرد کار به تخییر میان دو اصل اخلاقی می‌رسد. مقاله حاضر به دنبال معرفی مرجحاتی جهت انتخاب یکی از دو اصل متزام خواهد بود.

## ۲-۲. حریم خصوصی

تاکنون مفهوم واحد و تعریف جامعی از حریم خصوصی که مورد اتفاق همه متفکران باشد ارائه نشده است. به علاوه مبانی فلسفی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی این مفهوم، آن‌چنان متنوع است که رسیدن به یک مفهوم واحد را غیرممکن ساخته است. با این حال، از نظر بسیاری از نظریه‌پردازان، حریم خصوصی دارای مفهومی معنادار و ارزشمند است. بحث فلسفی در مورد تعاریف حریم خصوصی در نیمه قرن بیستم برجستگی خاصی پیدا کرد و به شدت در قوانین دولتی توسعه یافت.

برخی حریم خصوصی را حقی برای افراد می‌دانند که به وسیله این حق آن‌ها باید در برابر مداخله بی‌اجازه دیگران در زندگی شخصی مورد حمایت قرار بگیرند (لندور و هیت‌میر، ۲۰۱۱: ۴۳). همچنین برخی حریم خصوصی را حقی برای افراد در برخورداری از حمایت شدن در برابر مداخله دیگران در زندگی شخصی و خانوادگی چه با ابزار مستقیم و چه غیرمستقیم می‌دانند (شستک و سیورسن، ۲۰۰۴: ۳۱). برخی دیگر نیز ارکانی برای این حریم خصوصی مشخص کرده‌اند، مثلاً خانم روت گیسون سه رکن اساسی، یعنی؛ محرمانگی (رازداری)، گمنامی (ناشناسی) و خلوت (انزوا و تنها بودن) برای حریم خصوصی در نظر گرفته است. (ایران‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲) برخی نیز حریم خصوصی را به کنترل اطلاعات فرد به وسیله خود معرفی کرده‌اند (پرنت، ۱۹۸۳: ۲۶۹).

بنابراین، مفهوم و ماهیت حریم خصوصی از مقولات نسبی است و براساس زمان و مکان و باورهای اجتماعی، متفاوت است و تعریف مورد وفاقی از آن وجود ندارد. به همین دلیل برای شناخت و تعریف آن باید از معیارهای شخصی و نوعی استفاده کرد. حریم خصوصی جایی است که فرد در آن احساس امنیت کند و این احساس امنیت است که باعث می‌شود اطلاعات و وسایل گرانبهای خود را در آنجا قرار دهد که از دسترس دیگران دور باشد.

فضای سایبر نیز چنین القایی را به کاربر می‌دهد که این فضا کاملاً امن بوده و کاربر از تجاوز دیگران در امان است. چیزی که در فضای سایبر برای افراد مهم است و از موارد شخصی انسان شناخته می‌شود اطلاعات و ارتباطات فرد است؛ اطلاعات مفهوم گسترده‌ای از هویت کاربر، شماره تماس‌ها، عکس و فیلم‌های ذخیره شده کاربر در دستگاه شخصی و غیره است و منظور از ارتباطات

هر نوع رابطه با هر کسی و به هر شکلی (پیام یا تماس) را شامل می‌شود. این احترام به ارتباطات افراد نمود بیشتری در شبکه‌های اجتماعی دارد، چراکه شبکه‌های اجتماعی پا به عرصه وجود گذاشتند تا ارتباطات انسانی را گسترده‌تر کنند.

حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی سایبری به معنای؛ حفظ اطلاعات و ارتباطات شخصی از دید عموم و عدم هرگونه سوءاستفاده از این اطلاعات و ارتباطات بر علیه کاربر است؛ بنابراین هر کاربر در شبکه‌های اجتماعی دارای اطلاعات و ارتباطات شخصی است که دوست ندارد این اطلاعات و ارتباطات برای همگان مشخص شود و یا از آن سوءاستفاده کنند.

### ۳. رفع التزام اخلاقی

هر مأمور امنیتی و سرپرست خانواده با دو اصل اخلاقی روبه‌رو است. از طرفی اصل احترام به حریم خصوصی کاربر؛ این اصل یک اصل مطلق است که بر همه افراد قابل تعمیم است و هیچ‌کس نباید آن را نقض کند؛ و از طرفی دیگر اصل حفظ امنیت کاربران؛ که جزء وظایف اخلاقی خاص نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و سرپرست خانواده است؛ که این حفظ امنیت، در برخی موارد جز با رصد کاربر و نقض حریم خصوصی، تأمین نمی‌شود. حال پرسش این است که در چنین مواردی چه باید کرد؟

«گاهی عملی از منظر اخلاقی به خوب و خوب‌تر یا بد و بدتر منتهی می‌شود؛ حل چنین مسائلی نیاز به معرفتی خاص دارد. این معرفت از طریق نیروی عقل از درون فرد و نیروی نقلی برگرفته از وحی، عهده‌دار داوری در چنین مسائلی خواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۹)

برای حل التزام عملی، از سوی اندیشمندان اسلامی «در لابه‌لای کتاب‌های اصولی، تفسیری، اخلاقی، کلامی، فلسفی؛ تکالیف اخلاقی ارائه شده است. باید توجه داشت که راه‌حل‌های مطرح شده مانع‌الجمع نیستند و برای موارد خاص التزام، راهکارهای خاصی اعمال می‌شود و در برخی موارد، راهکارهای متعدد به‌عنوان مکمل هم به‌کار می‌روند.» (خادمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۹)

برای رفع التزامات اخلاقی از نظر عقلی چهار راهکار وجود دارد: ۱. جمع دو اصل، ۲. رفع دو اصل، ۳. تخییر و ۴. ترجیح یکی از اصول بر دیگری. همان‌طور که قبلاً گفته شد دو مورد اول به

علت نبود تراحم واقعی؛ یعنی تراحمی که فرد را مجبور می‌کند یکی از دو راه را برگزیند و جمع و نقض هر دو اصل امکان ندارد، قابلیت اجرا را ندارد و گرنه اولویت با دو مورد اول است. اصلاً مواردی که قابل جمع یا رفع باشند تراحم نامیده نمی‌شوند؛ چراکه تراحم در جایی است که یکی از دو اصل برای دیگری مزاحمت ایجاد کرده و یکی از آنان باید انجام بگیرد. بنابراین ما در تراحمات با روش سوم و چهارم روبه‌رو هستیم. البته انتخاب تخییر در زمانی است که دلیلی بر ترجیح یک اصل بر دیگری وجود نداشته باشد.

بنابراین، نوبت به روش سوم یعنی؛ ترجیح می‌رسد؛ اما برای ترجیح یکی از اصل‌ها بر دیگری این سؤال ایجاد خواهد شد که کدام‌یک از این دو اصل بر دیگری ترجیح دارند؟ برای مشخص شدن ترجیح یکی بر دیگری می‌توان به محاسبه مصالح، تطبیق با اهداف اخلاقی و در نهایت، تقدم امر دارای اهمیت بیشتر، رجوع کرد.

### ۳-۱. محاسبه مصالح

عده‌ای از فیلسوفان اخلاقی با پذیرش اصل تراحمات اخلاقی، در پی ارائه راه‌حل‌های مختلف برای ترجیح یک اصل بر دیگری بوده و نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. (اتکینسون، ۱۳۷۰: ۴۴-۴۵) برای مثال برخی از وظیفه‌گرایان مانند «راس»<sup>۱</sup> معتقد بودند که وظایف اخلاقی مطلق نیستند و «وظیفه در نگاه نخست» هستند؛ به این معنا که به این وظایف تا زمانی عمل خواهد شد که عمل مهم‌تری نباشد و در صورت وجود عمل مهم‌تر کنار گذاشته می‌شوند (رز، ۱۹۳۰: ۲۰-۲۱).

از منظر برخی دیگر از فیلسوفان اخلاقی، راه برون‌رفت از تراحم‌های اخلاقی، به تصمیم و انتخاب فرد بستگی دارد. به بیانی دیگر، «هر فرد هنگام مواجهه با تکالیف متزاحم باید اصل مورد قبول خود را انتخاب کند» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱)

سودگرایان اخلاقی نیز قائل بودند که باید سود و مصلحت انسان‌ها در افعال اختیاری آن‌ها ملاک خوبی و بدی اعمال باشد. بنابراین عملی را اخلاقی می‌دانستند که بیشترین سود را برای بیشترین افراد به ارمغان بیاورد. عده‌ای از سودگرایان صرفاً سود فاعل را در نظر گرفتند و عده‌ای



دیگر سود بیشترین افراد را لحاظ کردند. برخی از فیلسوف‌های سودگرا سودها و لذت‌های معنوی را بر لذت‌های مادی ترجیح دادند و برخی دیگر بالعکس (دراپور، ۲۰۱۴: ۱۰).

اگرچه در قرآن کلمه سود و مصلحت به صورت واضح نیامده است؛ اما بارها خداوند رستگاران را صالحان معرفی کرده است تا جایی که در سوره عصر همه انسان‌ها را به جز کسانی که صالح هستند و اعمال نیکو انجام می‌دهند زیانمند معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> همان‌طور که از لغت صالح مشخص است، یکی از معانی صالح به نفع بودن و به مصلحت بودن است. (المعانی: ذیل واژه) مسعودی در تعریف مصلحت می‌گوید: «مقایسه بین بدی‌ها و خوبی‌ها یا نقص‌ها، کمال‌ها و اینکه در انجام و یا ترک هر کاری برآیند مثبت آن در نظر گرفته شود.» (مسعودی، ۱۳۸۹: ۴۶) قرآن نیز عمل صالح را عملی می‌داند که به نفع دنیا و آخرت فاعل آن باشد که این عمل هم می‌تواند نفع شخصی خودش را لحاظ کند و هم می‌تواند به نفع جامعه مسلمین باشد. همچنین در احکام اسلامی مصلحت و سود افراد لحاظ شده، مثلاً روزه‌داری در صورتی که به مصلحت فرد نبوده و باعث ضرر و زیان او شود، وجوبش از بین می‌رود. «هر عملی به لحاظ آثاری که در خارج دارد، به مصلحت یا عدم مصلحت، متصف می‌شود. ترتب این آثار گاه مقطوع و زمانی مظنون و احياناً مشکوک یا موهوم است. از این رو، لازم است درجه انتظار حصول نتیجه در حکم به تقدیم و تأخیر ملاحظه گردد.» (العالم، ۱۴۲۱ق: ۱۹۰)

بنابراین اسلام با اصل مصلحت‌اندیشی و سودگرایی مشکلی ندارد، ولی در سودگرایی سه مسئله مهم را مدنظر قرار می‌دهد: اول آنکه خداوند بهترین کسی است که می‌تواند سود و مصلحت افراد را محاسبه و ارزیابی کند؛ چراکه او خالق انسان است و از مصالح و مفاسد و اسرار زمین و آسمان اطلاع دارد،<sup>۲</sup> دوم آنکه سودها نباید صرفاً مادی باشند، بلکه سود اخروی مقدم بر سود دنیوی است؛ برای مثال صبر کردن بر مصیبت‌ها اگرچه سود دنیوی ندارد؛ ولی دارای سود اخروی است؛

۱. وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا  
بِالصَّبْرِ (عصر: ۱-۳).

2. <http://www.almaany.com/fa/dict/ar-fa/%D8%B5%D8%A7%D9%84%D8%AD>

۳. قُلْ أَنْزَلْنَاهُ الَّذِي يَلْمُ السَّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً (فرقان: ۶) - وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً (طلاق: ۱۲).

از این رو خداوند در قرآن اجر صابر را در آخرت بدون اندازه و بی حساب معرفی کرده است.<sup>۱</sup> سوم آنکه در محاسبه سود و مصلحت نباید صرفاً سود فردی لحاظ شود، بلکه باید در مسائل اجتماعی سود و مصلحت بیشترین افراد در نظر گرفته شود.

به این صورت در درجه بندی مصالح باید محاسبه کرد که کدام یک از دو اصل مصلحت بیشتری به دنبال دارد؛ یعنی آیا حفظ حریم خصوصی کاربران مصلحت بیشتری دارد یا حفظ امنیت آنان؟ در اینجا باید مشخص شود که مراد از مصلحت چیست و مصلحت چه کسی منظور است، آیا مصلحت خود کاربر ملاک است یا مصلحت تمام کاربران شبکه‌های اجتماعی؟

همان طور که گفته شد در اسلام مصلحت بیشترین افراد مدنظر است. از این رو این سؤال پیش می‌آید که کدام یک از دو اصل بیشترین مصلحت را به دنبال دارد. در این اینگونه موارد، نمی‌توان یک حکم همیشگی داد؛ برای مثال نمی‌توان گفت همیشه حفظ امنیت کاربران مقدم است و در هر مسئله یک تفکر اخلاقی لازم است تا وظیفه افراد مشخص شود؛ اما می‌توان قواعدی را پیش فرض قرار داد تا برای موردهای مشابه اقدام مناسب صورت بگیرد.

به تبع برای هر فردی به تنهایی، حریم خصوصی اش مصلحت‌آمیزتر است؛ اما وقتی به دنبال یک قاعده کلی برای این مسئله باشیم پی خواهیم برد که حفظ امنیت کاربران می‌تواند بر حفظ حریم خصوصی مقدم شود که به طور قطع مصلحت حفظ امنیت کاربران بیشتر است.

چرا که اولاً تعداد بیشتری از افراد را شامل می‌شود، حتی خود کاربری را که نقض حریم خصوصی شده را نیز شامل می‌شود؛ به این معنا که در مثال مأموران امنیتی شاید یک مأمور مجبور شود حریم خصوصی ده‌ها نفر را نقض کند تا به سرمنشأ مشکلات برسد و آن فرد مجرم را دستگیر کند. اما با دستگیر شدن یک هکر یا سارق اینترنتی افراد زیادی از این مشکل رهایی پیدا می‌کنند، یا سرپرست خانواده با نقض حریم خصوصی یکی از فرزندان خود، توانسته امنیت تمام خانواده حتی خود کاربر را نیز تأمین کند.

دوم اینکه، حفظ امنیت دارای حسن ذاتی است؛ حفظ امنیت کاربران موجب آرامش روانی افراد در استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌شود؛ ما در ممنوع بودن نقض حریم خصوصی خواهیم گفت

۱. إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر: ۱۰).

که به علت محرمانه بودن زندگی هر شخصی باید حریم خصوصی آن را تأمین کرد، تا او احساس امنیت کند؛ اما اگر امنیت تمام کاربران از بین برود، آیا این احترام گذاشتن به حریم خصوصی کاربر فایده‌ای دارد؟ آیا خود کاربری که به حریم خصوصی او احترام گذاشته شده حس امنیت می‌کند؟ مطمئناً اگر حفظ امنیت از بین برود، دیگر کسی جرأت استفاده از شبکه‌های اجتماعی ندارد و از مزایای این شبکه‌ها بهره‌مند نمی‌شود. تشخیص مصالح و ترجیحات، به روش‌های گوناگونی محاسبه می‌شوند که دو مبنای مورد بحث قرار می‌گیرد:

### الف) تقدم مصالح اخروی بر مصالح دنیوی

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد در مورد اهمیت مصالح یک نکته مهم آن است که در محاسبه بیشترین مصلحت باید مصلحت‌های دینی و اخروی بر مصلحت‌های دنیوی مقدم شود. به عبارتی دیگر باید مصالح کیفی جایگزین مصالح کمی شوند. برای محاسبه مصالح دینی و اخروی باید به ادله شرعی رجوع کرد و بعد از تفحص کامل مشخص کرد کدام یک از دو طرف تراحم مصلحت بیشتری دارد. در آیات قرآن نجات دادن جان یک انسان اهمیتی در حد نجات دادن تمام انسان‌ها دارد.<sup>۱</sup> در روایات نیز حمایت از انسان‌ها و نجات جان، مال و آبروی آن‌ها با اهمیت معرفی شده است. برای مثال پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید: «إِنَّ حُرْمَةَ عَرِضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ وَ مَالِهِ؛ حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست» (تویسرکانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۲۶) و همچنین در حدیثی دیگر برای کسانی که از آبروی مسلمانان دفاع می‌کنند می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ عَنْ عَرِضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنَ النَّارِ؛ کسی که از حیثیت و آبروی برادر دینی خود دفاع کند برای او هفتاد هزار سیر از آتش جهنم خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۷۵: ۲۵۳)

البته در قرآن بارها تجسس کردن در زندگی افراد به باد انتقاد گرفته شده است.<sup>۲</sup> اما به نظر می‌رسد که منظور از تجسس در قرآن جاسوسی کردن از احوال مردم برای استفاده کردن بر علیه آنان در جهت غیر حق است. چراکه خداوند در قرآن بارها برخی از انواع تجسس کردن‌ها را مجاز شمرده است. برای مثال در آیه ۲۰ سوره قصص در مورد جاسوسی مؤمن آل فرعون از دربار فرعون

۱. مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده: ۳۲).

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا (حجرات: ۱۲).

جهت نجات جان حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ؛ و در این حال مردی (مؤمن) از دورترین نقاط شهر مصر شتابان آمد و گفت: ای موسی رجال دربار فرعون در کار تو شورا می کنند که تو را به قتل رسانند، به زودی از شهر بیرون گریز که من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم» و یا در سوره نمل حضرت سلیمان همدرد را برای جاسوسی از وضعیت دربار ملکه سبا گسیل می کند.<sup>۱</sup> بنابراین مشخص می شود تجسس کردن اگر دارای دو شرط بالا بوده؛ یعنی برای سوءاستفاده بر علیه فرد نباشد و برای انجام عملی دارای حق باشد، مشکلی ندارد. بنابراین براساس ادله ای که حفظ امنیت و آبروی مؤمن را وظیفه افراد دانسته و نقض حریم خصوصی را اگر برای سوءاستفاده و ناحق نباشد دارای مجوز می داند، حفظ امنیت کاربران امری مهم است و بر حفظ حریم خصوصی مقدم می شود.

#### ب) تقدم مصالح عام بر مصالح خاص

مصالح عام شامل همه یا بیشتر مردم می شود؛ ولی مصالح خاص مصلحت افراد کمتری را لحاظ می کند. این قاعده به این معناست که هرگاه دو اصل اخلاقی با هم تراحم کرد باید آن اصلی انتخاب شود که بیشترین افراد را ذیل خود قرار می دهد. (الخادمی، ۱۴۲۱ق: ۱۲۳) بنابراین، باید محاسبه کرد کدام یک از این دو اصل تعداد افراد بیشتری را شامل می شوند و بیشترین سود را برای بیشترین افراد لحاظ کرده و آن اصل را بر دیگری ترجیح دهیم. البته این نکته حائز اهمیت است که نوع مصلحت و سود باید از طریق خداوند مشخص شود و قبلاً بیان شد که باری تعالی سود اخروی را بر سود دنیوی و سود جمیع مسلمین را بر سود یک فرد مقدم می داند.

این روش راه را به مأمور امنیتی و سرپرست خانواده نشان خواهد داد، در بعضی موارد ممکن است حفظ امنیت چند کاربر موجب نقض حریم خصوصی تعداد بیشتری از کاربران شود که در این صورت باید اصل احترام به حریم خصوصی ترجیح داده شود؛ اما تجربه نشان داده که عموماً تعداد افراد اصل حفظ امنیت کاربران بیشتر تعداد افراد اصل احترام به حریم خصوصی است؛ بنابراین اصل حفظ امنیت کاربران دارای افراد بیشتری است و می تواند نسبت به حفظ حریم خصوصی ترجیح داده شود.

۱. اذْهَبْ بِكِنَابِي هَذَا فَأَلْقِهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (نمل: ۲۸).

شاید این سؤال پیش بیاید که همیشه «خوب» با وجود تعداد افراد مشخص نمی‌شود؛ بلکه در برخی از مسائل انتخاب امری که دارای تعداد افراد کم‌تری هستند، اخلاقی‌تر است از انتخاب امری که تعداد افراد بیشتری را شامل می‌شود. برای مثال اگر که تعداد افراد نشان‌دهنده اخلاقی بودن یک عمل باشد. باید در جنگ کافران با مسلمانان که عموماً تعداد مسلمانان کم‌تر بوده، حمایت از کفار را کار خوب بدانیم چون تعداد افراد بیشتری را شامل می‌شود و حمایت از مسلمانان به علت کم‌تر بودن آن‌ها کاری غیراخلاقی است در صورتی که این انتخاب صحیح نیست.

در جواب باید گفت که در این شبهه مغالطه‌ای روی داده؛ چراکه در این نوع مسائل مانند جنگ کفار با مسلمانان و شبیه به آن، مسئله حق و باطل است؛ یعنی یک طرف حق (خوب) و طرف دیگر باطل (بد) است. در میان انتخاب حق و باطل باید به مستندات و ادله هر یک از طرفین رجوع کرده و طرف حق را انتخاب و با باطل به مبارزه پرداخت؛ اما در مسئله نزاحمت اخلاقی میان انجام دو امر بد گرفتار شده‌ایم و نمی‌دانیم که کدام یک قابلیت انجام را دارد. بنابراین مجبوریم تا راه‌حلهایی جهت برون‌رفت از این مشکلات برای خود لحاظ کنیم که یکی از این راه‌ها ملاحظه تعداد افراد طرفین است.

## ۲-۳. تطبیق با اهداف اخلاقی

دومین راه، شناخت اهداف اخلاقی هر فرد است؛ بعد از شناخت اهداف اخلاقی، می‌توان مسائل را بر آن اهداف حمل کرد و در صورت سازگاری با آن هدف آن عمل خوب و در صورت عدم سازگاری، آن عمل بد است. در مسئله حاضر می‌توان اهداف افراد متفاوتی را لحاظ کرد. مثلاً هدف کاربر، یا اهداف اخلاقی مأموران امنیتی و سرپرستان خانواده، متعلق این اهداف نیز می‌تواند بسیاری از چیزها باشد مثلاً عده‌ای از غایت‌گرایان هدف را سود عده‌ای دیگر، میزان لذت و ... معرفی کرده‌اند. اما در این مقاله به فراخور اهمیت موضوع سعی خواهد شد که اهداف اخلاقی افراد از منظر اخلاق اسلامی لحاظ شود.

اسلام هدف از خلقت انسان‌ها را عبادت معرفی کرده و عبادت نیز برای رسیدن به قرب الهی است. از این‌رو فیلسوفان اخلاق اسلامی معتقدند که هر عملی، افراد را بیشتر به خداوند نزدیک کند آن عمل اخلاقی و هر عمل انسان را دورتر کند عملی غیراخلاقی است.<sup>۱</sup>

این هدف به دو گونه قابل تصور است: اول آنکه هر عملی که با نیت تقرب و رضای الهی باشد، باعث قرب الهی می‌شود با این شرط که آن عمل، حسن فعلی نیز داشته باشد و دوم آنکه انجام هر عملی که خداوند به آن عمل راضی است موجب قرب الهی می‌شود. اولی در همه کارهای خوب می‌تواند لحاظ شود اما دومی نیازمند به ملاحظه اطراف یک عمل است که آیا این عمل خداوند را راضی می‌کند یا نه؟ در مسئله حاضر همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد خداوند حفظ امنیت افراد را جزء وظایف انسان‌ها قرار داده و از تجسس‌هایی که با هدف سوءاستفاده کردن و ناحق باشد نیز نهی کرده است. بنابراین اگر امنیت همه کاربران حفظ شود و از اطلاعات افراد بر علیه آنان استفاده نشود و راهی جز نقض حریم خصوصی کاربران برای رسیدن به آن امنیت نیز نباشد آن عمل (حفظ امنیت) مورد رضای الهی است و اگر مأموران امنیتی و سرپرستان خانواده آن اعمال را نیز برای رضای الهی انجام دهند ارزشی دوچندان خواهد داشت.

به‌طور خاص سازمان‌های امنیتی با اهدافی پا به عرصه وجود گذاشتند که مهم‌ترین هدف آن‌ها حفظ امنیت مردم است، چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. این یک هدف خاصی است که صرفاً از این مأموران برمی‌آید؛ بر طبق این هدف دو وظیفه بر عهده این سازمان‌ها خواهد بود؛ اول آنکه باید از هر چیزی که مانعی است برای حفظ امنیت اجتماع جلوگیری کنند و دوم اینکه نباید امنیت اجتماع را خودشان به خطر بیندازند. نقض حریم خصوصی اگرچه با وظیفه دوم آن‌ها در تضاد است؛ اما خودش یک امنیتی برای عموم کاربران ایجاد می‌کند، حتی فردی که حریم خصوصی‌اش نقض شده؛ بنابراین حفظ امنیت کاربران مطابقت بیشتری با اهداف اخلاقی مأموران امنیتی دارد.

### ۳-۳. تقدم امر دارای اهمیت بیشتر

یکی از راه‌های برون‌رفت از تراحم‌های اخلاقی محاسبه اهمیت هر یک از دو اصل اخلاقی است.

۱. ر.ک نقد و بررسی مکاتب اخلاقی استاد مصباح یزدی.

شناخت امر اَهم یک کار صرفاً عقلانی است که جز با توجه و تفکر در هر امری ایجاد نمی‌شود. در مسئله مورد نظر انسان میان دو کار بد می‌ماند که مجبور به انجام یکی از آن‌هاست، بنابراین باید کاری که بدتر است را کنار گذاشته و کاری که بدی آن کمتر است را انجام دهد. امام صادق (ع) فرمودند: «عقل آن نیست که تنها میان خوب و بد تمیز دهد، بلکه عاقل آن است که از میان بدها بهتر را بشناسد» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۷۵) در این مسئله دیگر جای این بحث نیست که کدامیک از کارها خوب است، چراکه قاعداً فرض بر آن است که هیچ‌کدام از کارها خوبی ذاتی ندارند، بلکه چون به سبب آن کار بد کار بدتر از بین می‌رود خوبی نسبی پیدا می‌کنند.

یک مأمور امنیتی و سرپرست خانواده باید لحاظ کند که کدامیک از دو کار ضرر کمتری دارد و کدامیک بهتر است. نقض حریم خصوصی اگرچه کار بدی است؛ ولی اگر این نقض انجام نشود مشکلات فراوانی برای افراد جامعه پیش خواهد آمد که قبلاً گفته شد از جمله آن، از بین رفتن حس امنیت اجتماع و خانواده است. بنابراین بدی نقض حریم خصوصی کمتر از میزان بدی از بین رفتن حس امنیت اجتماع است. از این رو می‌توان براساس این اصل که به ما می‌گوید «عملی را انتخاب کن که اهمیت بیشتری دارد» استدلال کرد که حس امنیت اجتماع و خانواده از حس امنیت یک فرد مهم‌تر است. بنابراین باید از طرف عاملین این اصل مقدم شود.

در سیره معصومین نیز انتخاب امر اَهم نسبت به امر مهم دیده می‌شود. برای مثال زکریای آدم می‌گوید: «بر امام رضا (ع) وارد شدم و از آغاز شب پیوسته با من گفتگو می‌کرد تا صبح شد و برخاست و نماز صبح به جای آورد. این داستان نشان می‌دهد با آن که فضیلت نماز شب نزد امام (ع) زیاد است؛ ولی گفتگوی دینی با مهمان خود را خوب‌تر دید، بدین جهت آن را ترجیح داد. البته امام معصوم بهتر می‌داند کدام عبادت نزد خداوند محبوب‌تر است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۴۱)

البته این مقاله منکر مواردی نیست که ممکن است در آن‌ها اصل حفظ حریم خصوصی مهم‌تر از اصل حفظ امنیت افراد باشد. بنابراین، این یک قاعده باز است که افراد باید به حسب موارد طبق آن تفکر کرده و عملی مناسب با هر مورد انجام دهند. این مقاله به دنبال قواعد عامی است که بتواند در همه جا کارساز باشد مثلاً در همین مورد اهمیت حس امنیت عمومی نسبت

به حس امنیت شخصی اصلی عام خواهد بود که می‌تواند در هر تزاخم اخلاقی مدنظر قرار گیرد. اگر مأموران و سرپرستان راهی برای تشخیص یک اصل آهم نداشتند و یا ارزش هر دو کار به یک اندازه بود باید به روش چهارم یا همان تخییر رجوع کنند. البته باید تأکید کرد که این روش صرفاً برای جایی است که نمی‌توان اصل مرجح را انتخاب کرد. چراکه این روش اگر در ابتدای کار لحاظ شود می‌تواند برخلاف اخلاق باشد؛ به این علت که اختیار دادن به فردی که امکان خطا دارد و مشخص نکردن راه برای او در بسیاری از موارد موجب آسیب بزرگ‌تری می‌شود؛ مثلاً این کار باعث می‌شود تا مأمورانی که راحت‌طلب هستند ساده‌ترین راه را برای خود انتخاب کنند و یا راهی اشتباه برگزینند و افراد زیادی را با مشکل روبه‌رو کنند. از طرفی یکی از وظایف اخلاقی سازمان‌ها مشخص کردن وظیفه کارمندان و مأموران خود است، بنابراین، این روش یک روش عقلانی و درستی نیست.

همان‌طور که گفته شد عمده دلیل تقدیم اصل حفظ امنیت کاربران بر اصل حفظ حریم خصوصی افراد از بین رفتن حس امنیت اجتماعی و خانوادگی بود. اگر مأموران امنیتی یا سرپرستان خانواده کم‌کاری کرده و موجب شوند که افراد اجتماع و خانواده در فضای شبکه‌های اجتماعی مورد حمله هکرها، سارقین بانکی و کلاهبرداران قرار گیرند برای دیگر اعضای اجتماع و خانواده حس امنیت از بین رفته و کسی نمی‌تواند از فضای این نوع شبکه‌ها استفاده کند. حتی این مشکل باعث می‌شود خود کاربری که نقض حریم خصوصی شده حس امنیت خود را از دست دهد.

این انجام وظیفه از طرف مأموران امنیتی و سرپرستان خانواده باید به گونه‌ای باشد که خودش موجب از بین رفتن این هدف (حس امنیت) نشود. حس امنیت از دو جهت با انجام وظیفه افراد به خطر می‌افتد. اول به آن صورت که اطلاعات جمع‌آوری شود و در مکانی نگه‌داشته شود. دوم اینکه خود مأموران از اطلاعات سوءاستفاده کرده و آن را در مسائلی مدنظر قرار دهند.

در مورد اول به این صورت است که ورود به حریم خصوصی افراد باعث شود یک حجم زیادی از اطلاعات به وسیله مأموران امنیتی جمع‌آوری شود؛ این مورد می‌تواند ذهن هر کاربری را درگیر کند و برای او چند سؤال مطرح شود که آیا این اطلاعات در مکان امنی قرار گرفته؟ چه افرادی می‌توانند به آن اطلاعات دسترسی داشته باشند؟ چه اطلاعاتی در دسترس آن‌ها است؟ و ... همین



دغدغه فکری نوعی حس ناامنی را برای فرد ایجاد می‌کند که وقتی این حس، صورتی گسترده می‌یابد حس ناامنی در اجتماع را موجب می‌شود.

در مورد دوم حس ناامنی؛ مأموران امنیتی یا سرپرستان خانواده، اطلاعات کاربر را جمع‌آوری می‌کنند و در مواردی بر علیه آن‌ها استفاده می‌کنند. برای مثال ممکن است اطلاعات کشف شده از یک کاربر برای استخدام‌های دولتی، مصاحبه‌های دانشگاهی و ... استفاده شود. این سوءاستفاده از اطلاعات افراد باعث می‌شود که کاربران در استفاده از شبکه‌های اجتماعی حس ناامنی پیدا کنند. علاوه بر آن این سوءاستفاده با هدف ترجیح حفظ امنیت بر حفظ حریم خصوصی در تضاد است؛ به این معنا که فرد با انتخاب حفظ امنیت به دنبال ایجاد حس امنیت اجتماعی است؛ ولی با این سوءاستفاده هم آن را نقض کرده و هم کار غیراخلاقی انجام داده است؛ بنابراین مجوز ورود به حریم خصوصی کاربران برای حفظ امنیت آنان اطلاق نداشته و مقید به حفظ حس امنیت اجتماعی و عدم سوءاستفاده از اطلاعات کاربران خواهد بود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تزام‌های اخلاقی از مسئله‌های مهم و مطرح فلسفه اخلاق است که تاکنون راه‌های فراوانی برای برون‌رفت از آن‌ها پیشنهاد شده است. یکی از تزامات اخلاقی التزام میان دو اصل حفظ حریم خصوصی و حفظ امنیت کاربران است. این دو اصل می‌تواند به وسیله مأموران امنیتی و سرپرستان خانواده نقض شود. در انتخاب میان دو اصل یا باید هر دو آن‌ها را انجام داد و یا هر دو را با هم رها کرد؛ اما فرض التزام این است که یکی از دو اصل باید انجام شود و هر دو با هم قابلیت جمع ندارند، چراکه معنای التزام یعنی ایجاد مزاحمت یک اصل برای اصلی دیگر. از این رو این مزاحمت باعث می‌شود که هر دو با هم جمع نشوند. راه بعدی ترجیح یک اصل است که باید دلیل‌هایی را برای ترجیح یک اصل بر دیگری انتخاب کرد. در این مقاله محاسبه مصالح، مطابقت با اهداف اخلاقی و تقدم امر دارای اهمیت بیشتر به‌عنوان ادله ترجیح معرفی شدند.

براساس ادله ترجیح، در التزام اخلاقی میان احترام به حریم خصوصی و امنیت تمام کاربران، حفظ امنیت کاربران اصل اخلاقی *آهم* است، به این خاطر که دارای مصلحت‌های بیشتر اهمیت

بالاتری، مطابق با اهداف اخلاقی و تمام افراد جامعه را مدنظر قرار می‌دهد و حتی برای همان فردی هم که حریم خصوصی‌اش شکسته، حس امنیت اجتماعی به‌بار خواهد آورد.

البته در اینجا دو نکته اخلاقی حائز اهمیت است. اولین نکته این است که همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شده نهادها تا جایی که امکان دارد باید میان این دو اصل جمع کنند و تا جایی که امکان دارد به حریم خصوصی کاربران حرمت نهند و فقط در جایی که هیچ راهی به‌جز ورود در حریم خصوصی ندارند چنین مجوزی داده می‌شود. پس باید در ابتدا راه‌های دیگر امتحان شود و در صورت لزوم به حریم خصوصی کاربران ورود کنند. همچنین مأموران نباید از اطلاعات افراد برعلیه آن‌ها استفاده کنند و نباید حجم زیادی از این اطلاعات را جمع‌آوری کرده که برای سوءاستفاده به‌دست افرادی دیگر بیفتد. چراکه این موارد با هدف ترجیح یعنی ایجاد حس امنیت اجتماعی و خانوادگی برای کاربران در تضاد است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجان، مسعود و افضل بلوکی و محمدعلی مصلح نژاد (۱۳۹۲)؛ روش حل تزام‌های اخلاقی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح، پژوهش‌نامه اخلاق، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۳۹ - ۵۹
۳. اتکینسون، آر. اف، (۱۳۷۰)؛ فلسفه اخلاق، ترجمه: سهراب علوی‌نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۴. الخادمی، نورالدین (۱۴۲۱ق)؛ المصلحه المرسله حقیقتها و ضوابطها، بیروت: دار ابن حزم.
۵. العالم، یوسف حامد (۱۴۲۱ق)؛ المقاصد العامه للشریعه الاسلامیه، قاهره: دارالحديث.
۶. انصاری، مرتضی‌بن محمد امین (۱۴۲۱ق)؛ فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. ایران‌پور، پرستو (۱۳۹۱)؛ میزان سواد رسانه‌ای و نقش آن در استفاده از رسانه‌های تعاملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۸. بلوکی، افضل و محمدعلی مصلح‌نژاد (۱۳۹۱)؛ مبانی و مؤلفه‌های اعتقادی در رفع تزام اخلاقی، پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، سال دوم، شماره ۵، ص ۳۳ - ۵۸.
۹. بهرامی، محسن و احد قراملکی (۱۳۹۱)؛ تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۳۲ - ۴۴.
۱۰. تویسرکانی، محمدنبی ابن احمد (۱۴۱۳)؛ لئالی الاخبار، قم: مکتب‌العلامه، ۵ ج.
۱۱. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ مفاتیح الحیاه، قم: اسراء.
۱۲. خادمی، عین‌اله و علی حیدری و کبری عباسی‌کیا (۱۳۹۳)؛ ارزیابی راه‌حل‌های اندیشمندان اسلامی در مواجهه با تزام تکالیف اخلاقی، فصلنامه آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۳۹ - ۱۵۲.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۸)؛ فرهنگ لغات، تهران: چاپ سیروس.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۴۰۵)؛ بحوث فی علم‌الأصول، مقرر محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائره معارف الاسلامی، ۷ ج.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳)؛ بحار الانوار، ۱۱۱ جلد، بیروت: دارالاضواء.
۱۶. مسعودی، محمدهاشم (۱۳۸۹)؛ ماهیت و مبانی کلامی تکلیف، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
17. Bennett, C. (2001), Cookies, Web Bugs, Webcams and Cue Cats: Patterns of Surveillance on the World Wide Web. *Ethics and Information Technology* 3(3), 195 – 208.
18. Brey, P. (2007), “Ethical Aspects of Information Security and Privacy”, in: Security, Privacy,

- and Trust in Modern Data Management, M. Petković and W. Jonker (Eds.), Springer Berlin Heidelberg, pp. 21-36.
19. DeCew, Judith, “**Privacy**”, The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Spring 2015 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL <http://plato.stanford.edu/archives/spr2015/entries/privacy/>.
20. Driver, Julia, “**The History of Utilitarianism**”, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2014 Edition), Edward N. Zalta (ed.), <http://plato.stanford.edu/archives/win2014/entries/utilitarianism-history>.
21. Horty, John f.(2003), “**Reasoning with Moral Conflicts**” University of Maryland, College Park, NOU<sup>S</sup> 37:4,557–605.
22. Landwehr.C.E and Heitmeyer.C.L and McLean.J.D (2011). “**A security model for military message systems: Retrospective**”, Naval Research Laboratory, Washington DC.
23. Ross, W. D, (1930), **the right and the good** , oxford university press.
24. Shostack.A and Syverson.P (2004), “**What price privacy, J. in Economics of Information Security**”, The Netherland, Kluwer.
25. Parent, W., (1983), “**Privacy, Morality and the Law**”, *Philosophy and Public Affairs*, 12: 269–88.